

کابل جان عزیزم

کابل جان عزیزم، زادگاهم
توهستی مدفن، خُرد وکلانم
رها کردم ترا با آه و افسوس
نمودم ترکت، با اشک و آهم

.....

کابل جان شهر بس زیبای کشور
توئی آرامش قلبم در این دهر
ز ظلم ظالمان گشتم فراری
امید خاکت شود روزی مرا سر

.....

کابل جانم بُدی مهد عزیزان
بپروردی به دامت، شهیدان
هزاران هموطن در سایه ی تو
زدامان تو گشتند، قهرمانان

.....

چوپایم شد برون از کابل من
بشد سال ها ندیدم سُنبل من
به ملک غیر نباشد روحم آرام
ولو قصر سفید شد، منزل من

.....

زدست جانیان آواره گشتم
به ملک غیر چسان، بیچاره گشتم

شب وروزم بفکر زادگاهم
ز دردهایش، دل صدپاره گشتم

.....

زهجرانت شدم، مجنون مجنون
همه روز و شبم، باشم جگرخون
زدست جانیان، دیروز و امروز
بکشور هر طرف خون است سرخون

.....

چپاول گشته دارائی کشور
فرار مغزها هرروزه، بیشتر
کند جهل هر طرف فرمانروائی
به صدها بیسواد، مدیر و افسر

.....

الهی از سر لطفت نظر کن
شب تاریک کابل جان، سحرکن
رسانی "حیدری" روزی به زادگاش
به مظلومان مان، رحمت، ثمر کن

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۰۲۲، ۲، ۱۱، سدنی